

پاسخ علمی و مؤدبانه

به سخنان

غیر علمی و بی ادبانه

علی محمدی هوشیار

بسم الله الرحمن الرحيم

مدتی است که یکی از اتباع احمدبصربی به نام عباس فتحیه، مدعی آن شده که شاگرد حضرت آیت الله جوادی آملی (حفظه الله) است. اخیراً نیز با هتاكی و با استفاده از کلمات غیر مؤدبانه، ایشان را استاد خود خوانده و مباحث پرآکنده و غیر علمی را با عنوان (مناظره با استاد سابقم) منتشر کرده است.

البته باید توضیح داد که این فرد یکی از پژوهشگران اخراجی موسسه اسراء، بودند که پیش از پیوستن به جریان انحرافی احمدالحسن، به خاطر مسائلی (–) با وی قطع همکاری شده بود. لازم به توضیح است که فرد مذکور یکی از صدھا پژوهشگر آن موسسه بوده و این همکاری به معنای شاگردی حضرت آیت الله جوادی آملی نمی باشد.

بخش اول نوشتار آقای فتحیه

آقای عبدالله جوادی آملی(استاد سابق من)، روایتی سورانی از وجود امام صادق(ع) خواندید و گریستید و گریاندید؛ روایتی که خبر می دهد مؤمن در هنگام احتضار به زیارت پیامبر اکرم(ص) و امام علی(ع) مشرف می شود و بشارتی از آنها می شنود؛ اما آیا به این مضمون و لوازم آن خوب نگریستید، یا اینکه فقط خوب گریستید؟

در این روایت آمده است:

عَنْهُ عَنِ الْبْنِ فَضَالٍ عَنْ عَلَىٰ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: ... فَقَالَ يَرَاهُمَا وَاللَّهِ قُلْتُ بِأَيِّ أَنْتَ وَأَمْمِي مَنْ هُمَا فَقَالَ ذَاكَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَعَلَىٰ عَ يَا عُقْبَةُ لَنْ تَمُوتَ نَفْسٌ مُؤْمِنَةً أَبْدًا حَتَّىٰ تَرَاهُمَا قُلْتُ فَإِذَا نَظَرَ إِلَيْهِمَا الْمُؤْمِنُ أَيْرَجَعُ إِلَى الدُّنْيَا قَالَ لَا بَلْ يَمْضِي أَمَامَهُ فَقُلْتُ لَهُ يَقُولَانِ شَيْئًا جُعِلْتُ فِدَاكَ فَقَالَ نَعَمْ يَدْخُلَانِ جَمِيعًا عَلَى الْمُؤْمِنِ فَيَجْلِسُ رَسُولُ اللَّهِ صِ عِنْدَ رَأْسِهِ وَعَلَىٰ عَ يَعْنِدَ رِجْلِيهِ فَيُكَبِّ عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صِ فَقُولُ يَا وَلِيَ اللَّهِ أَبْشِرُ أَنَا رَسُولُ اللَّهِ إِنِّي خَيْرٌ لَكَ مِمَّا تَرَكُ مِنَ الدُّنْيَا ثُمَّ يَنْهَضُ رَسُولُ اللَّهِ فَيَقْدَمُ عَلَيْهِ عَلَىٰ صَ حَتَّىٰ يُكَبِّ عَلَيْهِ فَيَقُولُ يَا وَلِيَ اللَّهِ أَبْشِرُ أَنَا عَلَىٰ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي كُنْتَ تُحِبِّنِي أَمَا لَأَنْفَعَنَّكَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ أَمَّا إِنَّ هَذَا فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قُلْتُ أَيْنَ هَذَا جُعِلْتُ فِدَاكَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ قَالَ فِي سُورَةِ يُونُسَ قَوْلُ اللَّهِ تَبارَكَ وَ

تَعَالَى هَاهُنَا - الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَقْوَونَ لَهُمُ الْبُشْرِي فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ
فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.^۱

به خدا قسم که فرد محتضر هنگام مرگ آن دو را می بیند. عرض کردم پدر و
مادرم به فدایتان! آن دو کیستند؟ فرمود: ایشان رسول خدا(ص) و امیرالمؤمنین
علی(ع) هستند. ای عقبه! هیچ کسی از مومنان از دنیا نمی روند، مگر آنکه آن
دو تن را می بینند. عرض کردم: آیا پس از آنکه مومن آنان را دید به دنیا بر
می گردد؟ فرمود نه! پیش روی آنان می رود. عرض کردم آیا سخنی به مومن
محتضر می گویند؟ فرمود بله! هر دو بالای سر مومن می آیند. پس پیامبر اکرم
بالای سر و علی(ع) پیش پا می نشینند. پس رسول خدا(ص) بر او نهیب میزند
و می فرماید: ای ولی خدا! بشارت باد بر تو که من رسول خدا هستم. همانا من
بهتر از چیزهایی هستم که در دنیا ترکشان کرده ای. سپس علی(ع) پیش آمده و
نهیب میزند و می فرماید: ای ولی خدا! بشارت بر تو باد که من علی بن ابی
طالب هستم. همان کسی که دوستش داشتی. آگاه باش که من به تو منفعت
دارم. سپس امام صادق(ع) فرمود: همانا این در کتاب خدا آمده است: کسانی
که ایمان آورند و تقوا پیشه نمودند! برای آنان بشارتی در دنیا و بشارتی در
آخرت است. سخن خدا تغییر پذیر نیست و آن همان فوز بزرگ است.

^۱ المحاسن؛ ج ۱؛ ص ۱۷۵.

آقای جوادی آملی، قبلاً درباره افرادی که پیامبر(ص) و اهل بیت او(ع) را در رؤیا دیدند که به حقانیت دعوت مهدوی وصی و فرستاده امام مهدی(ع) شهادت می دهند، گفتید رؤیا حجت نیست. اما پیامبر خدا(ص) فرمود: هر که مرا در خواب ببیند خودم را دیده، پس شیطان هرگز تا روز قیامت در خواب و بیداری به شکل من و هیچ یک از جانشینان من ظاهر نمی شود.

شما مانند بعضی علمای معاصر در توجیه این روایت گفتید: بله، شیطان به شکل پیامبر(ص) و اوصیای او ظاهر نمی شود ولی مگر ما پیامبر(ص) و ائمه را در بیداری دیده ایم تا شکل و تمثالشان را در رژیا تشخیص دهیم و بفهمیم که آن تصویر خود پیامبر و ائمه است؟

در اینجا چند سؤال مطرح است:

۱. آقای جوادی، اگر واقعاً به گفته خود معتقدید، پس چرا در منبر مسجد اعظم به شوق زیارت نبی اکرم(ص) و امیرالمؤمنین(ص) گریستید؟ مگر شما پیامبر(ص) و علی(ع) رادر زمان حیاتشان دیده اید که در آن هنگام تشخیص بدھید آنها واقعاً محمد(ص) و علی(ع) هستند؟

احتمالاً بگویید که دلیل ما بر حقانیت آن تمثیل و عینیت آن تمثیل، این است که امام صادق(ع) فرمود: شما هنگام مرگ آن دو ذوات قدسی را زیارت می کنید؛ پس قطعاً آن دو تمثیل همان محمد(ص) و علی(ع) هستند.

جوابتان برای ما قانع کننده است اما آیا ائمه اطهار(ع) فقط درباره حالت احتضار چنین فرمودند؟... از نظر تان پنهان نباشد که همین آیه **الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَنْقُونَ لَهُمُ الْبُشْرِي فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ** را اهل بیت(ع) در احادیث دیگر تفسیر کرده اند... برای نمونه از رسول خدا(ص) آمده است: آن همان روایی نیکوست که مومن می بیند و در دنیايش با آن بشارت داده می شود. **هِيَ الرُّؤْيَا الْحَسَنَةُ يَرَى الْمُؤْمِنُ فَيُبَشِّرُ بِهَا فِي دُنْيَا هُوَ**.

نقد و بررسی

نویسنده این نوشتار؛ در همان ابتدای بحث از قیاس مع الفارق^۱ استفاده کرده و سعی بر آن دارد تا دو موضوع کاملاً غیر مرتبط را مرتبط با هم جلوه داده و به نتیجه و مطلوب خود دست یابد. باید توجه داشته باشید که:

اولاً همانطور که خود نویسنده در ابتدای متن تصریح کرده، حضرت آیت الله جوادی آملی، نظر مبارکشان را درباره دیدن پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) در حالت خواب فرمودند و روایتی هم که ایشان نقل کردند درباره دیدن آن دو معصوم(ع) در حالت احتضار و مرگ می باشد. لذا پُر واضح است که دیدن معصومین در خواب با دیدن آنان در حالت بیداری و احتضار، قیاس مع الفارق است و نمی توان احکام یکی را بر دیگری تعمیم داد. (بینهما بون^{*} بعيداً)

ثانیاً پاسخ سخن شما این نیست که گفته شود: چون امام صادق(ع) فرمود: شما هنگام مرگ آن دو ذوات قدسی را زیارت می کنید؛ پس قطعاً آن دو تمثال همان محمد(ص) و علی(ع) هستند! بلکه این پاسخ ساخته ذهن شماست.

^۱ قیاس مع الفارق یا مقایسه نادرست یا مغالطه تمثیل از طریق اهمال در شرایط استدلال استقرایی پدید می آید که موضوع آن سراحت حکم یک امر به امر دیگر باشد بدون آن که شباهت کاملی میان آنها وجود داشته باشد. در منطق به مقایسه، تمثیل گفته می شود.

پاسخ صحیح این است:

۱. تشخیص پیامبر اکرم(ص) و علی(ع) در حالت احتضار، هیچ بار وضعی و تکلیفی بر عهده مؤمن نداشته و در صورتی که آن دو م Gusom را در حال مرگ نشناسند، مورد بازخواست قرار نخواهند گرفت. ضمن اینکه آن دو م Gusom(ع) در حالت احتضار تکلیفی را برابر محضر نمی گذارند تا از این رهگذر؛ محضر را دچار شبهه کنند و برای او این سؤال پیش آید که آیا آنان شخصیت حقیقی حضرات هستند یا اینکه شیطان به قیافه آنان در آمده است!

۲. در آیات «أَلَا إِنَّ أُولِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْرُنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرِي فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ».^۱ بیان می کند: برای اولیاء خدا دو بشارت قرار داده شده: یکی در دنیا و یکی در آخرت.

این بشارت در روایات متعدد، به حضور رسول خدا(ص) و امیر المؤمنین(ع) هنگام وفات مومن تفسیر شده و به او بشارت به بیشت می دهند.^۲

۱. یونس: ۶۲-۶۴

۲. «وَالإِمَامُ يُبَشِّرُهُمْ بِقِيامِ الْقَابِيمِ وَبِظُهُورِهِ وَبِقَتْلِ أَغْذَاهِمْ وَبِالنَّجَاهَ فِي الْآخِرَةِ وَالْوُرُودِ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصَّادِقِينَ عَلَى الْحَوْضِ». الكافی، ج ۱، ص ۴۲۹-۴۳۰ ح ۸۲

البته در دو روایت ضعیف^۱ دیگر، بشارت دنیوی به رؤیای حسنہ تفسیر شده است: «قَالَ هِيَ الرُّؤْيَا الْحَسَنَةُ يَرَى الْمُؤْمِنُ فَيَبْشِرُ بِهَا فِي دُنْيَاهُ»^۲، و: «فَهِيَ الرُّؤْيَا الْحَسَنَةُ يَرَاهَا الْمُؤْمِنُ فَيَبْشِرُ بِهَا فِي دُنْيَاهُ ... وَ فِي الْآخِرَةِ فَإِنَّهَا بِشَارَةُ الْمُؤْمِنِ عِنْدَ الْمَوْتِ ...».^۳ و بقیه روایاتی که در کتاب بحار الانوار در این زمینه از راویانی مثل پسر عمر و ابوهریره و دیگران ثبت شده^۴ تماماً از کتب اهل سنت می باشد

و: «يَا عَقْبَةُ لَنْ تَمُوتَ نَفْسٌ مُؤْمِنَةً أَبْدًا حَتَّى تَرَأَفُوا (رَسُولُ اللَّهِ صَ وَ عَلَيْهِ عَ) ... يَدْخُلُانِ جَمِيعاً عَلَى الْمُؤْمِنِ فَيَجْلِسُ رَسُولُ اللَّهِ صَ عِنْدَ رَأْسِهِ وَ عَلَيْهِ عَ عِنْدَ رَجْلِهِ فَيَكِبُّ عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَ فَيَقُولُ يَا وَلَيَ اللَّهِ أَبْشِرُ أَنَا رَسُولُ اللَّهِ إِنِّي خَيْرٌ لَكَ مِمَّا تَرَكْتَ مِنَ الدُّنْيَا لَمْ يَهْضُ رَسُولُ اللَّهِ صَ فَيَقُولُ عَلَيْهِ فَيَكِبُّ عَلَيْهِ فَيَقُولُ يَا وَلَيَ اللَّهِ أَبْشِرُ أَنَا عَلَى بُنْ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي كُنْتُ تُجْهِي أَمَّا لَنْفَعَنِكَ لَمْ قَالَ إِنَّ هَذَا فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَلْتُ أَمِنْ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ هَذَا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ قَالَ فِي يُونُسَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ هَاهُنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَفَقَّهُونَ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ». همان، ج. ۳، ص ۱۲۹ ح ۱.

و: «إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا وَعَتْ نَفْسَهُ فِي صَدْرِهِ يَرَى ... رَسُولُ اللَّهِ صَ فَيَقُولُ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ أَبْشِرُ لَمْ يَرَى عَلَيَّ بُنْ أَبِي طَالِبٍ فَيَقُولُ أَنَا عَلَى بُنْ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي كُنْتُ تُجْهِي أَمَّا لَنْفَعَكَ الْيَوْمَ قَالَ قَلْتُ لَهُ أَ يَكُونُ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ يَرَى هَذَا لَمْ يَرِجِعْ إِلَى الدُّنْيَا قَالَ قَالَ لَا إِذَا رَأَى هَذَا أَبْدًا مَاتَ وَ أَخْطَمَ ذَلِكَ قَالَ وَ ذَلِكَ فِي الْقُرْآنِ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَفَقَّهُونَ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ». همان، ص ۱۳۳ ح ۸.

و: «يُقَالُ لَهُ: انْظُرْ إِلَى مَسْكِنَكَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَ انْظُرْ هَذَا رَسُولُ اللَّهِ وَ عَلَيْهِ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ رُفَاقُكَ، وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ: الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَفَقَّهُونَ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ». تفسیر العیاشی، ج. ۲، ص ۱۲۵ ح ۸.

^۱. ضعف یکی بخارط ضعیف بودن راوی و ضعف دیگری به علت ذکر نشدن سند و مرسل بودن است.

^۲. «قَالَ رَجُلٌ لِرَسُولِ اللَّهِ صَ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا قَالَ هِيَ الرُّؤْيَا الْحَسَنَةُ يَرَى الْمُؤْمِنُ فَيَبْشِرُ بِهَا فِي دُنْيَاهُ». الكافی، ج. ۸، ص ۹۰ ح ۶۰.

^۳. من کامل حدیث اینگونه است: «وَ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ صَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْبَادِيَةِ لَهُ حَسَمٌ وَ جَمَالٌ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَفَقَّهُونَ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ فَقَالَ أَمَا قَوْلُهُ تَعَالَى لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَهِيَ الرُّؤْيَا الْحَسَنَةُ يَرَى الْمُؤْمِنُ فَيَبْشِرُ بِهَا فِي دُنْيَاهُ وَ أَمَا قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ فِي الْآخِرَةِ فَإِنَّهَا بِشَارَةُ الْمُؤْمِنِ عِنْدَ الْمَوْتِ فَيُبَشِّرُ بِهَا عِنْدَ مَوْتِهِ أَنَّ اللَّهَ قَدْ غَفَرَ لَكَ وَ لِمَنْ يَحْمِلُكَ إِلَى قِبْرِكَ». من لا يحضره الفقيه، ج. ۱، ص ۱۳۳-۱۳۴ ح ۳۵۳.

^۴. نکته اینکه این حدیث از اهل سنت گرفته شده و برای همین مرسل می باشد. الدر المتنور، ج. ۳، ص ۳۱۲ ح ۳۵۳.

^۵. بحار الانوار، ج. ۵۸، ص ۱۹۱-۱۹۴.

نه شیعه.^۱ اما همین دو روایت هم به غیر از ضعف سندی، دارای مشکل محتوایی هستند، از جمله:

الف) در کلام معصومین(ع) تعبیر «رؤیای حسن» تنها در همین دو روایت آمده^۲، در حالیکه در روایات متعدد، از خواب صحیح به «رؤیای صادقه» تعبیر شده نه رؤیای حسن!^۳

همچنانکه در قرآن کریم نیز از صدق رؤیا سخن گفته شده نه حُسن آن، زیرا صادقه بودن یعنی راست و درست بودن خواب، در حالیکه حسن بودن فقط خوب بودن حالت خواب را می‌رساند نه راست بودنش را. همین شذوذ و ابهام، انتساب این دو روایت را به معصوم دچار خدشه می‌کند، غیر از اینکه روایت دوم از کتب اهل سنت گرفته شده^۴، و تنها ناقل آن یعنی مرحوم صدوq آن را به هیچ معصومی نسبت نداده است.^۵

ب) از طرفی چون در هیچ روایت دیگری خواب صحیح، تعبیر به رؤیای حسن نشده، می‌توان چنین برداشت کرد که مراد از رؤیای حسن، همان رؤیت رسول خدا(ص) و امیر المؤمنین(ع) در بیداری به هنگام مرگ می‌باشد که در روایات

^۱. الدر المنشور، ج ۳، ص ۳۱۱-۳۱۲.

^۲. بله در یک حدیث دیگر در کلام راوی آمده نه معصوم. بصائر الدرجات، ص ۲۵۵، ح ۶.

^۳. الدر المنشور، ج ۳، ص ۳۱۲.

^۴. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۳۳-۱۳۴ ح ۳۵۳.

متعدد مطرح شده است، و چون این رؤیت در حالت مکاشفه رخ می دهد بدان

رؤیا اطلاق گشته است.^۱

همچنانکه خود احمد بصری تصريح کرده است که: رویا بر دو قسم است: رویا

در خواب و رویا در بیداری.^۲

البته این برداشت تنها با روایت اول تناسیب دارد که توضیحی درباره بشارت در آخرت نداده است، اما در روایت دوم تصريح شده که مراد از بشارت در آخرت، همان بشارت هنگام سکرات مرگ است. لذا به قرینه مقابله، بشارت در دنیا که تفسیر به رویای حسن شده تنها بر خواب خوب قابل تطبیق می باشد. ولی همانطور که تذکر دادیم این روایت از اهل سنت گرفته شده و اصلی در منابع شیعه ندارد.

ج) روایت دوم می گوید مراد از بشارت در آخرت، همان بشارتی است که در سکرات مرگ به مومن داده می شود: «وَأَمَّا قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: وَفِي الْآخِرَةِ فَإِنَّهَا بِشَارَةُ الْمُؤْمِنِ عِنْدَ الْمَوْتِ»، در حالیکه مومن در آن حالت هنوز در

۱. در تفاسیر شعلی، خواجه عبد الله، بغوی، فخر رازی، نیشابوری، خازن و ... آمده: عرب به رؤیت با چشم هم رویا می گوید: العرب تقول: رأيت بعيني رؤية و رؤيا. الكشف و البيان ج ۶ ص ۱۰۹، كشف الأسرار ج ۵ ص ۵۷۵، تفسير البغوی ج ۳

ص ۱۴۱، التفسير الكبير ج ۲۰ ص ۳۶۱، غرائب القرآن ج ۴ ص ۳۶۲، لباب التأویل ج ۳ ص ۱۲۵

۲. الرؤيا تنقسم إلى قسمين: رؤيا في النوم ورؤيا في اليقظة. عقائد الإسلام ص ۸۲: فهو إما رؤيا في النوم أو رؤيا في

اليقظة. همان ص ۸۳

دنیاست نه در آخرت، و من با تبع ناقصم ندیدم در روایات از سکرات مرگ به عالم آخرت تعبیر شده باشد. ممکن است کسی بگوید چون فرد محضر در حال رفتن به جهان دیگر است، زمان بشارت در آن هنگام را آخرت خوانده اند، اما بر فرض هم این توجیه را پذیریم باید می گفت «عند الآخرة» نه «في الآخرة».

غیر از اینکه در یک روایت تصریح شده که مقصود از بشارت در دنیا همان ملاقات با رسول خدا(ص) و امیرالمؤمنین(ع) به هنگام مرگ است^۱ و این مخالف مضامون دو روایت مورد بحث می باشد.

حال بر فرض که محتوای این دو روایت ضعیف را پذیریم که مراد از بشارت در دنیا بشارت در خواب خوب به معنای راست است. اما قرآن این بشارت را تنها برای افراد خاصی می داند و شرط دیدن این بشارت را چیزهایی معرفی می کند که در هر کسی یافت نمی شود، و آنها عبارتند از: ولایت الله، ایمان کامل و تقوای مستمر.

۲. روایت تصریح بر این دارد که شیطان به شکل پیامبر اکرم(ص) در «خواب» و «بیداری» در نمی آید. حال سؤال این است که؛ اگر کسی

۱. رُبِّيْقُ عَنِ الصَّادِقِ عَنِ قَوْلِهِ: «لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا قَالَ هُوَ أَنْ يُبَشِّرَهُ بِالْجَنَّةِ عِنْدَ الْمَوْتِ يَعْنِي مُحَمَّداً وَ عَلِيًّا عَ». مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (ابن شهرآشوب)، ج ۳، ص ۲۲۳.

در حالت بیداری به نزد شما باید و بگوید که من پیامبر اکرم یا یکی از
او صیاء هستم با او چگونه رفتار می کنید؟ آیا او را متهم به این می کنید
که تو شیطان هستی؟! یا می گویید که باید از قانون معرفت حجت های
الهی برخوردار باشی؟

اگر او را متهم به این کنید که شیطان است، خواهد گفت: پیامبر اکرم(ص)
فرمود که شیطان به قیافه من در حالت بیداری(یقظه) در نمی آید.

اگر از او لوازم قانون معرفت حجت را بخواهید از شما خواهیم پرسید: چرا
گرفتار یک بام و دو هوا شده اید! چرا از کسی که در حال بیداری خودش را
امام معصوم می داند لوازم و شرایطی را بازخواست می کنید اما از آنکه در
خواب بر شما وارد شده چیزی طلب نمی کنید و کورکورانه او را به عنوان یکی
از معصومین(ع) می پذیرید؟!! در حالیکه خواب محل شک و شباه است و
بیداری عالم عقل و هوشیاری است. پس به طریق اولی باید در باره آنکه به
خوابتان آمده است حساس تر باشد.

بخش دوم نوشتار آقای فتحیه

۲. جناب آقای جوادی، آیا قید «الی یوم الیامه» در حدیث نبوی، لغو است یا در مقام بیان و واجد مقدمات حکمت؟ اگر فقط معاصران پیامبر(ص) بتوانند در رؤیا هم زیارتshan کنند و بشناسندش، پس قید «تا روز قیامت» چه معنایی دارد؟

۳. جناب آقای جوادی، آیا کسانی که به محضر امام صادق(ع) یا سایر ائمه اطهار(ع) مشرف می شدند و درخواست دعا یا ذکر یا اعمالی برای رؤیت نبی اکرم(ص) می کردند، او را در عالم جسمانی دیده بودند؟ پس چطور تشخیص می دادند که آن تمثال خود رسول الله(ص) است؟ اصلا چرا ائمه اطهار(ع) دستوراتی برای دیدن پیامبر(ص) در رؤیا می دادند؟ آیا این دستورات بنابر فرضیه شما لغو نبوده؟ مراجعه کنید به کتاب «دار السلام» فیما یتعلق بالرؤیا و المnam».

۴. جناب آقای جوادی، بانو نرگس(س) که حضرت عیسی(ع) و حضرت مریم(س) و حضرت زهرا(س) و امام حسن عسکری(ع) را در خواب زیارت کرد و به همین سبب ایمان آورد و مشرف به اسلام اهل بیت(ع) شد و مادر بقیة الله الاعظم(ع) گردید، آیا در عالم جسمانی هیچ یک از این ذوات قدسی را دیده بودند؟

نقد و بررسی

پاسخ به اشکال دوم:

در روایت مورد بحث آمده است: امیرالمؤمنین(ع) فرمود:

«فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ(ص) قَالَ مَنْ رَأَنِي فِي الْمَنَامِ فَقَدْ رَأَنِي فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتَمَثَّلُ بِنِي فِي نَوْمٍ وَلَا يَقْظَةٌ وَلَا بِأَحَدٍ مِنْ أَوْصِيائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».^۱ پس همانا پیامبر اکرم(ص) فرمود: هر کس مرا در خواب دید، پس به تحقیق مرا دید. همانا شیطان به قیافه من در خواب و بیداری و حتی به قیافه و شکل هیچکدام از او صیائم تا روز قیامت در در نمی آید.

قید «الی یوم القیامه»، برای بیان همیشگی بودن این قانون تا روز قیامت است. اما باید توجه داشت که این قید، قید شخصی بوده و این قانون به التزام عقلی مختص زمان حیات هر کدام از ذوات نورانی است و نمی شود این قانون را برای بعد شهادت ایشان نیز در نظر گرفت. مگر اینکه خواب دیده شده؛ توسط یکی از معصومین(ع) تایید شود و قبول کنند که فرد رؤیا دیده، حتماً خواب پیامبر اکرم(ص) را دیده است. چنانچه مواردی وجود دارد که به امام صادق(ع) مراجعه شد و عرض شد که من خواب پیامبر(ص) را دیدم، و ایشان فرمودند:

^۱ کتاب سلیمان بن قیس الهلالی، ج ۲، ص ۸۲۳.

راست می‌گویی. لذا متن مذکور به صورت است که؛ «فَان الشَّيْطَانُ لَا يَتَمَثَّلُ بِى فِي حَيَاٰتِي يَا مَا دَمْتُ حَيًّا» و... .

البته با توجه به اینکه تمامی حضرات باری دیگر و در هنگامه رجعت مراجعه خواهند داشت و تا روز قیامت یکی پس از دیگری بر دنیا حکومت خواهند نمود، از این رهگذر، قید «الى يوم القيمة» در کلام امیرالمؤمنین(ع) آمده است. لذا شیطان تا روز قیامت نمی‌تواند به قیافه پیامبر اکرم(ص) یا هر کدام از اوصیاء پیامبر اکرم(چه در دوره اول حیاتشان و چه در دوره رجعت) در آید.

نکته: در ادامه همین روایت؛ به تعداد اوصیاء پس از امیرالمؤمنین(ع) تصریح شده، که هیچگاه مورد توجه اتباع احمد بصری قرار نخواهد گرفت! امیرالمؤمنین علی(ع) فرمود:

«يَا سُلَيْمَ! إِنَّ أَوْصِيَائِي أَحَدَ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي أَئِمَّةُ هُدَاءٍ مَهْدِيُونَ كُلُّهُمْ مُحَدِّثُونَ قُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ هُمْ قَالَ أَبْنِي هَذَا الْحَسَنُ ثُمَّ أَبْنِي هَذَا الْحُسَيْنُ ثُمَّ أَبْنِي هَذَا وَأَخْذَ بَيْدِ أَبْنِ أَبْنِهِ عَلَىٰ بْنِ الْحُسَيْنِ وَهُوَ رَضِيعُ ثُمَّ شَمَائِيَّةٌ مِنْ وُلْدِهِ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ». ^۱

ضمن اینکه؛ وقتی از این آقایان سؤوال می‌شود که شما در خواب چه دیدید، می‌گویند:

^۱ کتاب سلیم بن قیس الہلالی، ج ۲، ص ۸۲۴.

- یک صدایی شنیدم که می گفت به فرزندم احمد ایمان بیاورید و..
- یک خانومی دیدم که چادرش را به صورتش کشیده بود و می گفت به فرزندم احمد کمک کنید و...
- یک آقایی را دیدم که سرش نور بود و صورتش دیده نمی شد و می گفت چرا احمد را یاری نمی کنید و...

در جواب همه این خواب ها گفته می شود:

1. روایت می گوید اگر کسی مرا یا هر یک از اوصیائem را در خواب ببیند، و نمی فرماید اگر صدایی بشنود!
2. روایت می فرماید هر یک از اوصیائem را در خواب ببیند، و نمی فرماید هر کس حضرت زهر(s) را در خواب ببیند!
3. روایت می فرماید هر کسی مرا یا هر یک از اوصیائem را ببیند، و حال آنکه شما اصلا صورتی را ندیدید و این تجلی کارتون های کودکانه شماست که انبیاء و اوصیاء را بدون سر و با حالت خورشید نشان می دادند!

پس شما در واقع هیچ کسی را ندیدید که بگویید من پیامبر(ص) را دیدم، ضمن اینکه آیا پیامبر اکرم(ص) خودش را در خواب هایتان به شما معرفی کرده است؟ یعنی در ابتدای رؤیایتان فرموده من محمد بن عبدالله رسول الله هستم؟ یا

با تعبیری مشابه؟ پس شما از کجا فهمیدید که فردی را که در خواب دیدید ایشان است؟!

پاسخ به اشکال سوم:

اولاً؛ در این خصوص، تنها یک روایت از امام صادق(ع) صادر شده است که سید ابن طاووس در کتاب «فلاح السائل و نجاح المسائل» و شیخ کفعمی در کتاب «مصاح» و محمدث فیض در کتاب «خلاصة الأذكار» به آن اشاره کرده‌اند.^۱

ثانیاً، رؤیای افرادی که با انجام اعمال مورد توصیه اهل بیت(ع)، شخصی را با نام پیامبر اکرم(ص) دیده‌اند، با رؤیای کسانی که به صورت اتفاقی و یا از طریق خواندن اذکار و اوراد غیر مؤثر خوابی را دیده باشند، بسیار تفاوت دارد، زیرا اهل بیت(ع) آن رؤیایی را تأیید کرده‌اند که از طریق آنان بوده باشد.

ثالثاً هرگز در پاسخ اتباع احمد بصری گفته نمی‌شود؛ هر کسی که خواب معصومین(ع) را ببیند حتماً ابلیس را دیده است، بلکه گفته می‌شود که هیچ اطمینانی بر این نیست که

^۱ حدَّثَ الشَّرِيفُ أَبُو القَاسِمِ الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ بْنُ عَلَىٰ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلَىٰ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الْعَلَوِيِّ بْنِ أَخِي الْكَوَكِبِيِّ قَالَ أَخْبَرَنِي إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ أَخْبَرَنِي إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَلَىٰ بْنِ قُدَامَةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدَانَ الْبَرْدَعِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا سَهْلُ بْنُ صُفَيْرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ يَقُولُ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَرَى رَسُولَ اللَّهِ صَفِيَّ مَنَّاهِهِ فَلْيَصْلِلْ الْمُشَاءَ الْآخِرَةَ وَ لَيَغْتَسِلْ غُسْلًا نَظِيفًا وَ لَيُصْلِلْ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ بِأَرْبَعِ مِائَةِ آيَةِ الْكُرْسِيِّ وَ لَيُصْلِلْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَ الْفَمَّ وَ لَيُبَيِّنَ عَلَىٰ تَوْبَ نَظِيفٍ لَمْ يُجَامِعْ عَلَيْهِ حَلَالًا وَ لَا حَرَامًا وَ لَيُضَعِّ يَدُهُ الْيَمْنَى تَحْتَ خَدِّهِ الْأَيْمَنِ وَ لَيُسَبِّحَ مِائَةَ مَرَّةٍ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ لَيُقْلِلْ مِائَةَ مَرَّةٍ مَا شَاءَ اللَّهُ فِإِنَّهُ يَرَى النَّبِيَّ صَفِيَّ مَنَّاهِهِ فِي مَنَامِهِ.

کسی را که در خواب دیده‌اید پیامبر(ص) بوده باشد، چراکه ممکن است ابلیس خودش را تزیین کرده و به عنوان پیامبر(ص) معرفی کرده باشد. لذا در صورت تشکیک (اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال) نمی‌شود به سخن فرد در رؤیا اعتماد کرد.

رابعاً برخی از شیعیان که نام احمدالحسن را شنیده‌اند، خواب بطلان او را دیده‌اند که از قضا تعدادشان هم کم نیست، بر این اساس، چنانچه خواب و رؤیا حجت بوده باشد، بایستی به رؤیای مخالفین هم اعتمنا کنند. ضمن اینکه اینها هم پیامبر(ص) را در خواب دیده‌اند که بر بطلان احمدالحسن شهادت داده است.

خامساً؛ در سال (۱۴۰۰ه.ق) تعداد زیادی از طلاب و هابی خواب پیامبر(ص) را دیدند که به حقانیت و مهدویت محمد بن عبدالله قحطانی شهادت میداد.^۱ در حالی که هم طلبه‌ها و هابی بودند و هم محمد بن عبدالله قحطانی!

براساس این گفتار، پیامبر اکرم(ص) در رؤیا، حاکی از حتمیت رؤیای صادقه نبوده و ای بسا ممکن است که یک طلبه و هابی نیز آن حضرت را در خواب ببیند و بر اساس آن به یک مدعی دروغین ملحق گردد.

^۱ مجله الانتظار، العدد السابع، ص. ۱۰.

پاسخ به اشکال چهارم:

جناب نرجس(س) هیچگاه آن ذوات نورانی را در عالم بیداری ندیده بود، اما نکته قابل توجه این است که اولاً چنانچه ایشان بر اساس آن رؤیا در بین اسراء حاضر نمی شد و خود را به بغداد نمی رساند، هیچ تکلیفی بر عهده اش باقی نمی ماند و عندالله مؤاخذه نمیشود. حال آنکه شما بر اساس رؤیاها یی که می بینید خودتان را مکلف به پذیرش محتوای آن می دانید! ایشان بر اساس علاقمندی که در عالم رؤیا نسبت به امام حسن عسکری(ع) برایش ایجاد شده بود، تصمیم به انجام چنین کاری گرفت و به بشارتی که در خواب گرفته بود عمل فرمود.

ثانیاً خواب ایشان چون منطبق با واقع گردید، پس یقین بر این است که آن ذوات نورانی که در رؤیا دیده اند، شخصیت های حقیقی هستند.

بنابراین مقایسه داستان حضرت نرجس(س) با داستان شما مع الفارق است.

بخش سوم نوشتار آقای فتحیه

۵. جناب آقای جوادی، آیا شهادت ملکوتی خدا برای شما معنا و مفهومی دارد؟ ندای آسمانی جبرائیل(ع) را می توانید توضیح دهید؟ اصلاً مگر ما قبلاً جبرائیل را دیده ایم یا صدایش را شنیده ایم؟! پس چطور تشخیص دهیم که آن صوت واقعاً از آسمان و سروش ملکوتی خدا برای شناخت مهدی آل محمد(ص) است؟

۶. جناب آقای جوادی، ابی بکر حضرمی و ابان بن تغلب زمانی که پرچم های سیاه بنی عباس آشکار شده بود، بر همین امام صادق مظلوم و تکذیب شده وارد شدند و پرسیدند نظرتان چیست؟ حضرت فرمود: در خانه هایتان بنشینید، پس هنگامی که ما را دید که اطراف مردمی اجتماع کرده ایم، با سلاح به سمت ما بستایید:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا بْنُ شَيْبَانَ قَالَ
حَدَّثَنَا يُوسُفُ بْنُ كُلَيْبٍ الْمَسْعُودِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَكَمُ بْنُ سُلَيْمَانَ عَنْ
مُحَمَّدٍ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي بَكْرِ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَأَبَانِي عَلَى أَبِي عَبْدِ
اللَّهِ عَ وَذِلِكَ حِينَ ظَهَرَتِ الرَّأْيَاتُ السُّودُ بِخُرَاسَانَ فَقُلْنَا مَا تَرَى «فَقَالَ

اجْلِسُوا فِي بُيُوتِكُمْ فَإِذَا رَأَيْتُمُونَا قَدِ اجْتَمَعْنَا عَلَى رَجُلٍ فَانْهَدُوا إِلَيْنَا
بِالسَّلَاحِ».^۱

چرا به امام صادق(ع) اعتراض نمی کنی که ای آقا، مگر مردم زمان ظهور شما را دیده اند که بشناسند؟ اصلاً چطور با دیدن شما دور قائم(ع) تشخیص میدهند اهل بیت(ع) دور قائم(ع) جمع شده اند؟ و به حقانیت او شهادت می دهند؟ اصلاً چطور ممکن است ما در زمان ظهور، شما اهل بیت(ع) را گرد قائم(ع) ببینیم، در حالی که شما در آن زمان به رحمت خدا رفته اید؟

۷. جناب آقای جوادی، حدود ۱۴۴۰۰ یا ۱۲۴۰۰ نبی در طول تاریخ وجود داشتند که برخی از آنها رسالت ویژه داشتند. آنها چطور وحی تلقی کردند؟ اصلاً حقیقت وحی چه بوده؟ آنها وقتی برای اولین بار وحی دیدند یا شنیدند، چطور تشخیص دادند که آن از سوی جبرائیل(ع) است و از سوی شیطان نیست؟ اگر بگویید چون پیامبر بودند، پس متوجه سؤال نشدید، چون آنها قبل از وحی اولیه پیامبر نبودند، بلکه از جایگاه خود مطلع نبودند...

حال مرتبه اول که ملکی را می بینند یا صوتی را می شنوند، از کجا تشخیص می دهند که ملکی از سوی خداست، نه شیطان؟ مگر قبل اهم پیامبر بودند و

^۱ الغيبة للنعماني، ص ۱۹۷.

ملک دیدند؟ اگر بفرمایید که قبل هم دیدند، میگوییم آن دفعه قبل از کجا فهمیدند؟ و هل مجرا فیتلسلسل.

آقای جوادی، آیا گمان نمی کنید که با این سخن، اساس وحی و رسالت همه انبیاء را پایمال کردید؟ اصلا می کنید چه می گویید؟ وقتی شیطان حتی کلمه ای از قرآن را تلفظ نمیکند، چطور ممکن است به صورت محمد رسول الله(ص) تجلی کند در حالی که او همه قرآن است؟ سبحان الله...

نقد و بررسی

پاسخ به اشکال پنجم:

شناخت صیحه آسمانی و تشخیص صدای جبرائیل(ع) از ۵ راه ممکن است.

چنانچه امام باقر(ع) می فرماید:

«الصَّيْحَةُ لَا تَكُونُ إِلَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لِأَنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ وَ الصَّيْحَةُ
فِيهِ هِيَ صَيْحَةُ جَبْرِيلَ عِلَى هَذَا الْخَلْقِ ثُمَّ قَالَ يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ
بِاسْمِ الْقَائِمِ عَ فَيَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَ مَنْ بِالْمَغْرِبِ لَا يَبْقَى رَاقِدًا إِلَّا اسْتَيْقَظَ
وَ لَا قَائِمٌ إِلَّا قَعَدَ وَ لَا قَاعِدٌ إِلَّا قَامَ عَلَى رِجْلَيْهِ فَزِعًا مِنْ ذَلِكَ الصَّوْتِ
فَرَحِمَ اللَّهُ مَنِ اعْتَبَرَ بِذَلِكَ الصَّوْتِ فَأَجَابَ فَإِنَّ الصَّوْتَ الْأَوَّلَ هُوَ صَوْتُ
جَبْرِيلَ الرُّوحِ الْأَمِينِ عِلَّ ثُمَّ قَالَ عَ يَكُونُ الصَّوْتُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيَّلَةِ
جُمُعَةٍ لَيَّلَةِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ فَلَا تَشْكُوا فِي ذَلِكَ وَ اسْمَعُوا وَ أَطِيعُوا وَ فِي
آخِرِ النَّهَارِ صَوْتُ الْمُلْعُونِ إِبْلِيسِ يُنَادِي إِلَّا إِنَّ فُلَانًا قُتِلَ مَظْلُومًا لِيُشَكِّرَ
النَّاسَ وَ يَفْتَنُهُمْ فَكَمْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مِنْ شَاكٌ مُتَحَيَّرٌ قَدْ هَوَى فِي النَّارِ فَإِذَا
سَعِيتُمُ الصَّوْتَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَا تَشْكُوا فِيهِ أَنَّهُ صَوْتُ جَبْرِيلَ وَ عَلَامَةٌ
ذَلِكَ أَنَّهُ يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ وَ اسْمِ أَبِيهِ»^۱

^۱ الغيبة للنعماني، ص ۲۵۳.

صیحه ای نیست مگر در «ماه رمضان»، برای اینکه ماه رمضان ماه خداوند است و «صیحه ای که در آن است، صدای جبرائیل(ع) برای این مردم است».

پس منادی از آسمان به اسم قائم(ع) نداء می دهد و «این صدا را هر آنکه در مغرب و در مشرق است می شنود»، بطوری که با صدای آن «هر خفته ای بیدار شده» و به خاطر تعجب و وحشت از آن صدا، «هر ایستاده ای می نشیند و هر نشسته ای بر روی پایش می ایستد». خدا رحمت کند آنکه را که به این صدا اعتنا کرده و آن را اجابت کند. پس همانا «صدای اول صدای جبرائیل(ع) است». پس بدانید که این صدا در «شب ۲۳ ماه رمضان» است. پس «در باره آن شک نکنید». آن را «بشنوید و اطاعت» کنید. و «در آخر روز صدای ابلیس ملعون را می شنوید» که نداء می دهد: همانا فلانی (عُثْمَانُ بْنُ عَفَّانَ) مظلومانه کشته شد! این را می گوید تا مردم را به شک بیاندازد و گمراه کند و چقدر آنان که در این روز دچار شک شده و جهنمی میشوند! پس زمانی که آن صدا را در ماه رمضان شنیدید در باه آن شک نکنید که صدای جبرائیل(ع) است و «علامت آن این است که به اسم قائم(ع) و پدر او نداء می دهد.

روایت مذکور برای شناخت صیحه جبرائیل(ع)، پنج راه اساسی را معرفی فرموده است که توسط هیچ نیرویی قابل مشابهت سازی نیست.

۱. شنیدن صیحه در ۲۳ ماه رمضان

بر اساس تصريح اين روایت و سایر روایات معصومین(ع)، زمان شنیدن صیحه جبرائیل(ع) در سحرگاه^۱ بیست و سوم ماه رمضان خواهد بود. لذا اولین راه تشخیص و شناخت صیحه جبرائیل(ع)، زمان وقوع آن است که حضرات معصومین(ع) فرموده اند.

۲. شنیدن صدا همزمان در کل جهان

صدایی که در ۲۳ ماه رمضان از سوی جبرائیل(ع) شنیده میشود، در سراسر جهان^۲ منتشر شده و همگان آن را خواهند شنید. توجه شود که صدای صیحه مخصوص افراد خاصی نبوده و همه انسان های موجود بر روی کرده زمین آن را خواهند شنید. در روایت آمده است:

^۱ «وَيَنَادِي مُنَادٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مِنْ تَاحِيَةِ الْمَسْرِقِ عِنْدَ الْفَجْرِ يَا أَهْلَ الْهُدَى اجْتَمِعُوا» و منادی در ماه رمضان و از جانب مشرق هنگام طلوع خورشید نداء می دهد، ای اهل هدایت جمع شوید. سرور أهل الإيمان فی علامات قیام صاحب الزمان عج، ص ۵۴.

^۲ «بَنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَسْمِعُهُ جَمِيعُ أَهْلِ الْأَرْضِ» منادی از سوی آسمان ندائی می دهد که تمامی اهل زمین آن را می شنوند. کفاية الأئمہ الائمه عشر، ص ۲۷۴.

«يُنَادِيْ مُنَادٍ بِاسْمِ الْقَائِمِ(ع) قُلْتُ خَاصٌّ أَوْ عَامٌ فَالْعَامُ يَسْمَعُ كُلُّ قَوْمٍ بِلِسَانِهِمْ».^۱

امام صادق(ع) فرمود: نداء می دهد منادی به اسم قائم(ع). گفتم آیا نداء برای افراد خاص است یا عمومی است؟ فرمود: نداء عمومی است و هر قومی به زبان و لهجه خودش می شنود.

۳. شنیدن نام قائم(ع) و نام پدر ایشان

سحر گاه ۲۳ ماه رمضان، تنها یک صیحه خواهد بود که تمامی مردم جهان آن را خواهند شنید. در آن صیحه به نام امام(ع) و نام پدر گرامی ایشان تصریح خواهد شد که همین امر به عنوان علامت تشخیص صوت جبرائیل(ع) در این روایت گفته شده است. در روایات دیگر نیز آمده است:

«يُنَادِيْ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ وَ اسْمِ أَبِيهِ».^۲ امام صادق(ع) فرمود: منادی از سوی آسمان به اسم قائم و اسم پدرش نداء می دهد.

۴. شنیدن صدایی دیگر از جانب شیطان با عبارتی دیگر

یکی دیگر از راه های شناخت صوت جبرائیل(ع)، شنیدن صدای دیگری در مقابل آن است که در آخر روز شنیده خواهد شد و مردم را به خون خواهی عثمان دعوت خواهد نمود، صدای مذکور صدای ابلیس است که همین صوت،

^۱ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۵۰.

^۲ الغيبة للنعمانی، ص ۱۸۱.

قرینه‌ای واضح بر آن است که صدای منتشر شده در اول روز، صدای جبرائیل(ع) بوده است. در روایات دیگر آمده است:

«صَعِدَ إِبْلِيسُ فِي الْهَوَاءِ حَتَّىٰ يَتَوَارَى عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ ثُمَّ يُنَادِي أَلَا إِنَّ
الْحَقَّ فِي عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ وَ شِيعَتِهِ فَإِنَّهُ قُتِلَ مَظْلُومًا فَاطْلُبُوا بِدَمِهِ»^۱ امام

صادق(ع) فرمود: ابلیس در فضا بالا رود تا از دیده زمینیان پوشیده گردد سپس آواز سر دهد «بدانید که حق در عثمان بن عفان و پیروان اوست که او مظلومانه کشته شد پس خونخواهی کنید.

۵. اطمینان بخشی به صدای صحیحه

اطمینان بخشی امام معصوم(ع) به اینکه صدای شنیده شده در ماه رمضان، همان صدای جبرائیل(ع) است، دلیل دیگری است تا وقتی آن صدا را در ماه مبارک رمضان شنیدیم، درباره شکی به خود راه ندهیم. چنانچه این مساله با عبارت: «فَرَحِمَ اللَّهُ مَنِ اعْتَبَرَ بِذِلِكَ الصَّوْتِ فَأَجَابَ»^۲ و «فَلَا تَشْكُوا فِي ذَلِكَ وَ اسْمَعُوا
وَ أَطِيعُوا»^۳ و «فَإِنْ أَشْكَلَ هَذَا كُلُّهُ عَلَيْهِمْ فَإِنَّ الصَّوْتَ مِنَ السَّمَاءِ لَا يُشْكِلُ عَلَيْهِمْ
إِذَا نُودِيَ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ وَ أَمَّهِ»^۴ و «فَلَا يُشْكِلُ عَلَيْكُمُ الصَّوْتُ مِنَ السَّمَاءِ

^۱ الغيبة للنعمانی، ص ۲۶۰.

^۲ همان، ص ۲۵۳.

^۳ همان.

^۴ اگر تمامی نشانه‌ها برای آنان ایجاد شبهه و اشکال کرد، پس همانا صوت آسمانی برایشان ایجاد شبهه نخواهد کرد آن زمانی که به اسم او و به اسم پدر و مادر او نداء داده شود. الغيبة للنعمانی، ص ۲۸۲.

بِاسْمِهِ وَأَمْرِهِ»^۱ و «يَكُونُ الصَّوْتُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ جُمُعَةِ لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ فَلَا تَسْكُوا فِي ذَلِكَ»^۲ ... تقویت شده و مورد تاکید قرار گرفته است.

با توجه به معرفی پنج شاخصه مذکور برای شناخت صیحه جبرائیل(ع)، دیگری این اشکال پیش نمی آید که؛ اصلاً مگر ما قبلاً جبرائیل را دیده ایم یا صدایش را شنیده ایم؟! پس چطور تشخیص دهیم که آن صوت واقعاً از آسمان و سروش ملکوتی خدا برای شناخت مهدی آل محمد(ص) است؟

پاسخ به اشکال ششم:

روایت مورد نظر، هیچ اشاره ای به قیام قائم(ع) نداشته و صرف اینکه در کتاب الغيبة نعمانی نقل شده، دلیل بر آن نمی شود که از زمرة روایات مهدوی باشد. همانطور که در روایت آمده، عده ای با پرچم های سیاه بنی عباس، برای کسب تکلیف به محضر امام(ع) رسیدند. توجه داشته باشید که این کسب تکلیف برای شیعیان امام صادق(ع) از این باب بود که دولت بنی عباس با شعار «الرضا من آل محمد(ص)» سعی بر فریب شیعیان و دوست داران اهل بیت(ع) داشتند و چنین ادعا می کردند که به محض تصاحب قدرت و حکومت، آن را به آل محمد(ص) واگذار خواهند کرد! لذا از این رهگذر، شخصیت‌هایی همچون ابی بکر حضرتی و ابان بن تغلب به محضر امام(ع) رسیده و

^۱ صدای آسمانی که به اسم و امر امام(ع) نداء می دهد جایی برای شک باقی نخواهد گذاشت. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۶۵ و بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

^۲ الغيبة للنعمانی، ص ۲۵۴.

وظیفه شیعیان در مواجهه با این فریب را سئوال نمودند. امام(ع) در پاسخ فرمودند: در خانه هایتان بنشینید، پس هنگامی که ما را دید که اطراف مردی اجتماع کرده ایم، با سلاح به سمت ما بستایید.

پاسخ امام(ع) دو بخش دارد:

۱. بنی عباس را یاری نکنید و رأی ما با آنان نیست.
۲. هرگاه رأی ما بر فردی بود که کار قیام را به عهده بگیرد، پس با سلاح هایتان به یاری ما بستایید.

با توجه به پاسخ فوق، اولاً این روایت ناظر به مساله قیام امام مهدی(ع) نیست. ثانياً مخاطبین ای سخن کسانی هستند که در زمان امام صادق(ع) می باشند، نه آیندگان!

پاسخ به اشکال هفتم:

برای دریافت پاسخ سوالات مطرح شده، به کتاب وحی در قرآن؛ تالیف حضرت آیت الله جوادی آملی مراجعه فرمایید.